

# ۱- بررسی سیاست‌های قیمتهای تضمینی محصولات کشاورزی

## مقدمه :

ماهیت تولید و فرآوردده‌های کشاورزی، به‌گونه قابل ملاحظه‌ای با فراگرد تولید و محصولات سایر بخشهای اقتصادی نظیر: صنعت، معدن، نفت و خدمات تفاوت دارد. تولید در کشاورزی - بویژه در کشورهای جهان سوم - با امکانات محدود و حفظ و نگهداری تولیدات، اقدامی نامطمئن و سرشار از خطر است. بطوری که درآمدهای حاصل در این رشته از تولیدات، بشدت متغیر و نوسانی است، چراکه هم شرایط بازاری و هم شرایط جغرافیایی و آب و هوایی اگرچه قابل پیش‌بینی هستند لیکن قابل اعتماد و اطمینان کافی نمی‌باشند. از جانب دیگر تولیدات حاصله در این بخش، اغلب تولیداتی با کاهش تقاضای نسبتاً " کمتر، قابلیت فسادپذیری بالا و در عین حال مورد نیاز اکثریت اقشار جامعه می‌باشند.

لزوم تولید این گونه محصولات به دلیل ضروری و مورد نیاز بودنشان از طرفی و تردید و عدم اطمینان لازم در تولید آنها، به لحاظ نامطمئن بودن بازار خرید آنها و در نتیجه درآمدهای حاصله، از طرف دیگر، ضرورت مداخله اساسی دولت‌ها در توجه به تولیدکنندگان و بازاریان قبیل محصولات را آشکار می‌سازد. از این رو دولت‌ها حتی در کشورهای بسیار پیشرفته، سیاست‌های گوناگونی را به منظور حمایت از تولیدکنندگان این بخش و ایجاد شرایط مناسب اقتصادی برای آنها در پیش گرفته‌اند. این

سیاستها به همان گونه که می توانند به ایجا دشرايط مطلوب توليدات  
کشا ورزی مدد رسانند، در صورتی که با دقت و توجه و تحقیقات علمی و  
بررسیهای دقیق صورت نپذیرند، می توانند صدماتی بیشتر از حالتی که  
اساساً "اتخاذی گردیدند بر پیکره" این توليدات و ساختار آنها وارد  
آورند. از جمله این سیاستها که در اکثر کشورهای جهان و برای مدتهای  
طولانی مورد استفاده قرار گرفته است، سیاست قیمتهای تضمینی  
محصولات کشا ورزی می باشد که مدتی است در ایران نیز معمول گردیده  
است. در این مقاله حتی المقدور تلاش خواهد شد تا ضمن روشن نمودن مفهوم  
قیمتهای تضمینی و ارائه سابقه ای از اعمال این سیاست در بخش  
کشا ورزی ایران سیاست مزبور مورد بررسی دقیق علمی با تاکید خاص بر  
اجرای این سیاست در جمهوری اسلامی ایران - قرار گیرد و در پایان نیز  
نتایج حاصله از این بررسی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

#### منظور از قیمتتهای تضمینی چیست؟

هنگامی که تولیدکنندگان برخی محصولات کشا ورزی بنا به  
دلایل متعدد از جمله: عدم اطمینان نسبت به قیمت توليداتشان در آینده  
(به گونه ای که ضمن پوشانیدن هزینه های تولیدی مقداری سود را نیز  
برایشان تأمین نماید) قرار گیرند، چهار حالت عمده ممکن است به  
وقوع پیوندد:

- الف: سرمایه گذاری به منظور تولید در چنین بخش صورت نپذیرد  
لذا سرمایه ها به سوی سایر بخشهای مطمئن تر و احتمالاً پرسودتر سوق یابد.  
ب: در صورتی که سرمایه گذاران ملزم و مجبور به تولید در آن  
بخش باشند به قیمت تولید کالاهایی که اطمینان بیشتری نسبت به بازار

T آنها درآینده (به هنگام عرضه محصول) وجود دارد، گرایش نشان می دهند، و از تولید محصولات نامطمئن سرپا زمی زنند.

چ : در صورتی که امکان شرایط فوق را نداشته باشند، احتمالاً "تولیداتشان را از زکالائی که دارای بازاری نامطمئن و کم سود است کاهش خواهند داد.

د : عده ای از تولیدکنندگان از بخش کشاورزی خارج شوند، عده ای به سمت تولید محصولات مطمئن تر و پیرسودتر بروند و عده ای نیز تولید محصولات دارای بازاری نامطمئن را کاهش دهند.

وجود آمدن چنین حالتی در اقتصاد، اثرات گوناگونی را با خود دنبال می آورد که در رأس همه آنها می توان به موارد مشخص زیر اشاره کرد.

یکم : عدم تعادل اساسی در بخشهای اقتصادی جا معه بوجود می آید، چرا که خروج سرمایه گذاران و تولیدکنندگان از یک بخش به معنای ورود آنها به بخش دیگر خواهد بود. این عدم تعادل زمانی که بخشهای اقتصادی بنا به دلایل دیگری نیز در عدم تعادل قرار گرفته باشند تشدید می گردد. بدیهی است این عدم تعادل در بخشها، عدم تعادل درآمدها را نیز بوجود می آورد.

دوم : عدم تعادل اساسی در درون بخش کشاورزی بوجود خواهد آمد. بدین ترتیب که تولیدکالاهای خاص صورت می پذیرد و ترکیب کالای تولیدی بشدت دستخوش تغییر می گردد. این وضعیت خصوصاً زمانی که تولید هر کالائی به دلایل گوناگون (نظیر بلابودن مصرف و جمعیت کشور) به اندازه ای که کلیه تقاضاهای موجود را بپوشاند نتواند بوجود می آید.

سوم : در صورتی که کالاهای مزبور مورد نیاز جامعه باشند، کاهش تولید آنها، دولت را با مشکل اساسی تامین مایحتاج مردم مواجه خواهد ساخت.

بدنبال این اثرات یکی از راه‌حلهایی که ممکن است مطرح گردد این است که بایستی تولیدکنندگان را نسبت به شرایط بازار و قیمتی که تحت آن شرایط با آن مواجه هستند مطمئن گردانید، یکی از روشهایی که می‌تواند این اطمینان را بوجود بیاورد تعیین و اعلام قیمت‌های تضمینی است. <sup>(۱)</sup> بدین ترتیب که دولت ابتدا کلیه محصولات را که دچار چنین خصیصه‌ای هستند، شناسایی نموده و بر اساس محاسبات گوناگون، قیمت‌های تمام شده محصولات مزبور را محاسبه می‌نماید و پس از اعمال درصدی سود که این هم با توجه به ملاحظات مختلف صورت می‌پذیرد قیمت مشخصی را تعیین می‌نماید و سپس به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی اعلام می‌نماید که دولت تضمین می‌نماید که کلیه تولیدات محصولات مورد نظر را با قیمت‌های تعیین شده خریداری خواهد کرد. قیمت‌هایی که در چنین فرایندی به‌چنین منظوری تعیین می‌گردند، اصطلاحاً "قیمت‌های تضمینی نام گرفته‌اند. این قیمت‌ها، خصوصیات دارنده آن‌ها را از سایر انواع قیمت‌ها جدا می‌نماید. ذیلاً به پاره‌ای از اهم این ویژگی‌ها اشاره می‌نمائیم:

۱- قیمت‌های تضمینی قیمت‌های حداقل (کف) هستند، بدین معنی که تحت هیچ شرایطی تولیدکننده بدلیل تضمین خرید دولت مجبور به فروش پائینتر از آن قیمت نخواهد بود.

۲- قیمت‌های تضمینی لزوماً "قیمت‌های حداکثر نیستند، بدین معنی که تولیدکننده باید قادر باشد در صورتی که شرایط بازار ایجاب نماید محصولاتش را به قیمت‌های بالاتر از قیمت‌های تضمینی بفروشد.

۳- قیمت‌های تضمینی ضرورتاً "بایستی هزینه‌های تولید را

(۱): سلف‌فروشی نیز دارای چنین ویژگی است که کشاورزان را از عدم اطمینان نسبت به آینده فروش محصول معاف می‌دارد.

پوشاننده و مقداری سود را نیز در خود جای داده باشند. چراکه در غیر این صورت قیمت‌های تضمینی برای تولیدکننده بی معنا خواهند بود. و بدان آنگونه که باید، اتکا نخواهد نمود.

۴- هرچه قیمت‌های تضمینی بالاتر باشند، تولیدکننده احساس حمایت بیشتری نموده و به نسبت بیشتری مورد تشویق قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب بر تولید افزوده و درآمد او بالا می‌رود.

۵- نحوه محاسبه قیمت تمام شده و درصد سود اعمال شده در قیمت‌های تضمینی برای تولیدکننده از اهمیت اساسی برخوردارند، چرا که تولیدکنندگان متعددی دارای هزینه‌های تولید یکسانی نمی‌باشند. و ممکن است قیمت‌های تضمینی اگر با نهایت دقت در محاسبه قیمت تمام شده محصولات صورت نپذیرند برای تمامی تولیدکنندگان جالب توجه و مشوق نباشد.

۶- قیمت‌های تضمینی - بنا بر هدف قیمت‌هایی هستند که لزوماً قبل از شروع فصل تولید محصولات، تعیین و اعلام می‌شوند و اساساً تولیدکننده با توجه به آنها اقدام به تولید خواهد نمود و لذا قیمت‌های تضمینی نقش اساسی در تشویق تولیدکنندگان و اقدام آنها در جهت تولید ایفا می‌نمایند.

این ویژگیها به همراه خصوصیات دیگر اگرچه ممکن است بدیهی بنظر آیند لیکن در تحلیل‌های بعدی بشدت مورد توجه قرار می‌گیرند و اساساً "خواهیم دید که عدم توجه به همین خصائص، بسیاری از سیاست‌های قیمت‌های تضمینی را بلا اثر و خنثی ساخته است. لیکن قبل از پرداختن به این تحلیل‌ها لازم است اشاره مختصری به سابقه قیمت‌های تضمینی در ایران و چگونگی تعیین و اعلام آن - بویژه در سال‌های اخیر - داشته باشیم.

در اقتصا دا یران تعیین قیمت تضمینی برای محصولات کشاورزی از سابقه چندان بی برخوردار نیست. هر چند شواهدی مبنی بر حمایت از قیمت محصولات کشاورزی در گذشته در دست است. بطوری که در برنامه هفت ساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی رژیم گذشته که در آن، بخش کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار بود، موضوع حمایت از قیمت محصولات کشاورزی (نه به شکل تضمین قیمتها) مطرح بوده است. لیکن بسا حذف تدریجی کشاورزی و استفاده از واردات متکی به درآمدهای سرشار نفتی به عنوان درجه اطمینان نوسان تولیدات و قیمتها، موضوع حمایت و تضمین قیمتهای محصولات کشاورزی از اهمیت چندان بی برخوردار نبوده است. علی رغم آنکه به هنگام شروع افزایش قیمتها (در سال ۱۳۵۳) به همراه سایر روشهای کنترل قیمتها از سیاست تعیین قیمت و خرید محصولات کشاورزی نیز استفاده شده است. در این دوران هدف کنترل قیمت بر هدفتهای بلندمدتی نظیر: حمایت از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و افزایش این قبیل محصولات غالب بود. و از این رو علی رغم تعیین و اعلام قیمتهای تضمینی برای برخی از کالاهای کشاورزی، اقدام بفرارادات شدید این کالاها، هدف اساسی این سیاست را بشدت آسیب پذیر نمود، و البته نتایج سیاستهای اقتصادی رژیم گذشته (اگرچه در اینجا

- 
- (۱): «در سال ۱۹۲۹ اعتبارات کشاورزی توسعه یافت و حمایت از قیمت محصولات افزایش پیدا کرد» به نقل از چارلز عیسوی. تاریخ اقتصاد ایران. ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر گسترده، ۱۳۶۲) ص ۵۹۸.
- (۲): تثبیت قیمتها و افزایش واردات در کشورهای جهان سوم معمولاً به معنای عدم حمایت از تولیدکننده داخلی می باشد.

بدان اشاره نمی‌کنیم) بویژه در بخش‌کشا و رزی خود بخوبی گواه و شاهد این مدعا است.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دلایل چندی جهت اعمال و گسترش سیاست‌های تضمینی موجب گردید که اعمال این سیاست در راس سیاست‌های مربوط به بخش‌کشا و رزی قرار گیرد از جمله این دلایل می‌توان به استراتژی تامین کالاهای استراتژیک کشا و رزی در داخل (از طریق افزایش تولید)، محاصره اقتصادی، شرایط ناشی از جنگ تحمیلی، جلوگیری از بالارفتن مصنوعی قیمت‌ها و ایجاد کمبودهای غیر واقعی و حمایت از تولیدکنندگان برخی از محصولات کشا و رزی و افزایش درآمد آنان و... اشاره کرد.

تضمین قیمت محصولات نظیر: گندم، جو، چغندر قند، سویا، آفتابگردان، ذرت، پیاز و سیب‌زمینی که از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده بود در سال‌های پس از پیروزی نیز همچنان ادامه یافت. در عین حال از سال ۱۳۵۸ به منظور حمایت از پنبه‌کاران و افزایش تولید این محصول، برای آن نیز قیمت تضمینی اعلام گردید. چنانچه ملاحظه می‌شود محصولات فوق یا مستقیماً "مورد نیاز مردم بوده (پیاز و سیب‌زمینی) و یا به عنوان مواد اولیه لازم برای تولید کالاهای اساسی دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرند. بطوری که گندم در تولید نان و سایر محصولات وابسته به آرد، جو و ذرت در تولید انواع خوراکی‌ها و طیور، چغندر قند در تولید قند و شکر، پنبه در تهیه انواع منسوجات و پوشاک و... و سویا و آفتابگردان نیز در تهیه انواع روغن‌های نباتی که همگی از محصولات اساسی و مورد نیاز جامعه هستند بکار گرفته می‌شوند. بنا بر این ملاحظه می‌شود که کمترین عدم اطمینان نسبت به بازار این محصولات در آینده می‌تواند تاثير عمده‌ای در کاهش تولید آنها داشته

باشد. از این رو همه ساله قبل از شروع فصل کشت هر کدام از محصولات مورد نظر از سوی شورای اقتصاد، قیمت‌های تضمینی تعیین و اعلام می‌گردند.

از آنجا که اقتصاد کشور در طی سال‌های قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شرایط تورمی قرار داشت. بناچار لازم می‌آمد در قیمت‌های تضمینی - به دلیل افزایش هزینه‌های تولید و افزایش قیمت سایر محصولات - تجدید نظرهای اساسی صورت پذیرد. از این رو هر ساله شاهد تغییراتی در قیمت‌های تضمینی اعلام شده از سوی شورای اقتصاد برای کالاهای مشمول طرح می‌باشیم. بدیهی است تعیین قیمت‌های تضمینی تحت شرایط تورمی، بسیار حساس و در عین حال مشکل می‌باشد. جدول (شماره ۱) قیمت‌های تضمینی تعیین شده برای برخی محصولات کشاورزی در طی سال‌های ۱۳۵۶-۶۵ را نشان می‌دهد.

از جمله ویژگی‌های تعیین قیمت‌های تضمینی محصولات کشاورزی در طی این دوره را می‌توان تغییر و افزایش قابل ملاحظه این قیمت‌های سال‌های مذکور، هدایت تولیدکنندگان به فروش تولیدات به دولت به‌ویژه در مورد گندم<sup>(۱)</sup>، نزدیک بودن قیمت‌های تعیین شده به قیمت تمام شده و در مواردی کمتر از قیمت تمام شده واقعی، نام برد.

موضوع دیگری که در این قسمت باید مورد توجه قرار گیرد نحوه

---

(۱): هدایت مزبور در مورد گندم - از طریق ایجاد شرایط برای اعطای تسهیلات و کمک‌ها از یک سو و ممنوعیت حمل و نقل گندم از سوی دیگر - در موارد چندان در قند، سویا، پنبه، آفتابگردان و نظایر آنها از طریق تنظیم قرارداد، انحصار خرید توسط صنایع مصرف‌کننده - که بخش قابل توجهی از آنها دولتی می‌باشند - و ایجاد سایر شرایط لازم صورت می‌گیرد. ر.ک. اکبر هبه‌الحسین زاده، بررسی وضعیت اقتصاد کشاورزی ایران (تهران: انتشارات کتا بیران ۱۳۶۵)، ص ۴۸.



واحد: ریال برای هر کیلوگرم

جدول شماره ۱- قیمت‌های تضمینی و تثبیتی محصولات معدنه گشای ورزی ۱۳۵۶-۶۵

سال	سایز	گندم	جو	ذرت	چغندر قند	پنبه (وش)	سویا	آفتابگردان	سیب زمینی	پیاز
۱۳۵۶	۱۲	۷/۵	—	—	۳	—	۲۴	۲۰	۱۱	۷
۱۳۵۷	۱۴	۱۳	—	—	۳/۴	—	۲۴	۲۰	۱۱	۷
۱۳۵۸	۱۸	۱۷	۱۵	۱۵	۴	۴۵	۲۶	۲۲	۱۳	۹
۱۳۵۹	۲۳	۱۷	—	—	۵/۱	۴۰-۶۰	۲۶	۲۲	۱۶	۹
۱۳۶۰	۲۸	۲۵	۲۸	۲۸	۵/۵	۷۵-۷۷	۴۰	۴۵	۲۰	۱۰
۱۳۶۱	۳۰	۲۷	۳۰	۳۰	۷/۵	۸۰	۴۰	۵۰	۲۳	۱۳
۱۳۶۲	۳۰	۲۷	۳۰	۳۰	۷/۵	۱۰۰	۴۰	۷۰	۲۳	۱۳
۱۳۶۳	۴۰	۳۷	۴۵	۴۵	۹	۱۱۰	۶۰	۷۰	—	—
۱۳۶۴	۴۰	۳۷	۴۵	۴۵	۹	۱۱۸	۶۰	۸۵	—	—
۱۳۶۵	۴۸	۴۲	۵۰	۵۰	۹/۵	۱۲۵-۱۳۵	۷۲	۱۰۵	۳۷	۲۴/۶

ماخذ: اکبر عبدالحسین زاده، بررسی وضعیت اقتصادی گشای ورزی ایران، (شهران: موسسه انتشارات گشای ورزی، ۱۳۶۵) ص ۶۰.

تعیین قیمت‌های تضمینی است. به منظور تعیین قیمت‌های تضمینی همانند سایر قیمت‌ها ابتدا قیمت تمام شده محصول را محاسبه نموده و با در نظر گرفتن ملاحظات با درصدی سود (حداقل) آن را اعلام می‌کنند. در این میان محاسبه قیمت تمام شده محصولات کشت و رزی با دشواریهای خاص روبروست. در محاسبه قیمت تمام شده این محصولات عوامل زیر دخالت دارند.

۱- هزینه‌های مراحل مختلف کاشت

۲- روش کشت (مکانیزه - نیمه مکانیزه - سنتی)

۳- پهناده‌های تولید

۴- منطقه کشت از لحاظ نوع زمین و وضعیت آب و هوا

۵- درآمدهای فرعی حاصل از کشت

۶- هزینه‌های برداشت محصول

روش کار بسدین ترتیب است که قیمت تمام شده بوسیله

تقسیم مجموع هزینه‌های مراحل مختلف کشت و برداشت و پس از کسر درآمد

فرعی به میزان عملکرد (به تفکیک مکانیزه و نیمه مکانیزه و سنتی و مناطق

مختلف کشت) بدست می‌آید. با اضافه نمودن سود که برای محصولات مختلف

درصدهای متفاوتی است و مقدار آن موافق سیاستهای کشت و رزی کشور

تعیین می‌شود قیمت محصول برای هر کدام از روشهای کشت و مناطقی

مختلف مشخص می‌شود. در نهایت قیمت محصول از طریق محاسبه میانگین

قیمت‌های بدست آمده تعیین می‌گردد.<sup>(۱)</sup> در جدول (شماره ۲) نمونه‌ای از

این نحوه محاسبه برای تعیین قیمت گندم (آبی) در سال ۱۳۶۲ نشان

داده شده است:

(۱): عبدالله مشیری، تجربه قیمت گذاری در ایران (تهران: دانشگاه

تربیت مدرس، ۱۳۶۷)، ص ۹۷.

روش تولید	درصد تولید	میلک در در هکتار (به کیلوگرم)	کل هزینه (در هکتار)	درصد سود	قیمت تمام شده + سود	متوسط قیمت تمام شده	قیمت پیشنهادی (ریال)
نیمه مکانیزه	۷۰٪	۱۹۰۰	۳۹۹۹۰	۴۰٪	۲۹/۴۶	۲۳/۳	۳۴
سنتی	۳۰٪	۱۶۰۰	۴۸۳۲۵	۴۰٪	۴۲/۲		۳۱

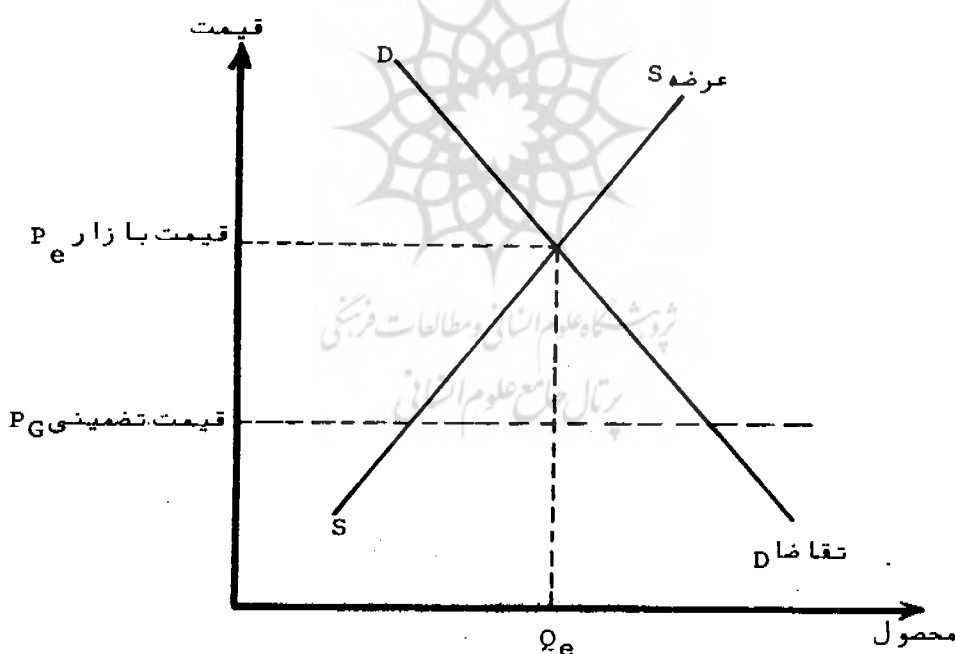
ساخته: عبدالله مشیری، تجربه قیمت گذاری در ایران (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۷)، ص ۷

با این توضیحات اکنون نوبت به تجزیه و تحلیل این سیاست با تاکید خاص بر کاربرد و اعمال آن در کشا و رزی ایران می رسد. پس از آنکه قیمت های تضمینی از سوی دولت اعلام گردید، تولیدکنندگان با ملاحظه آن هر یک به گونه ای عکس العمل نشان می دهند. از آنجا که شرایط تولید محصولات کشا و رزی برای کلیه تولیدکنندگان مشابه نمی باشد، لذا آنها عکس العمل های کاملاً یکسانی در برابر این قیمت ها از خود نشان نمی دهند. در صورتی که قیمت اعلام شده از نظر تولیدکنندگان مطلوب به نظر برسد تصمیم به تولید می گیرند و با اطمینان بیشتری نسبت به آینده اقدام به تولید می نماید. بنا بر این قیمت های تضمین شده زمانی کار را تر خواهند بود که از دیدگاه اکثریت تولیدکنندگان مطلوب و مناسب بنظر آیند. بدیهی است در غیر این صورت (در صورتی که قیمت های تضمینی اعلام شده از دیدگاه تولیدکنندگان رضایت بخش نباشد) با اطمینان بیشتر از اقدام به تولید این گونه محصولات سرباز خواهند زد.

با قرارداد قیمت تضمینی در فرآیند تصمیم گیری، تولید

کنندگان اقدام به تولید خواهند کرد و آنها را "محصول تولید شده را به بازار عرضه می نمایند. به هنگام عرضه محصولات به بازار، حالت ممکن است اتفاق افتد. ذیلاً" به تشریح هر یک از این حالات می پردازیم.

**حالت اول :** پس از عرضه محصول به بازار، احتمال دارد شرایط بازار به گونه ای باشد که قیمت کالا بیشتر از قیمت تضمینی اعلام شده از سوی دولت باشد. این بدان معنی است که اگر قیمت تمام شده مورد محاسبه در تعیین قیمت تضمینی بدرستی صورت پذیرفته باشد تولیدکننده با سود قابل توجهی روبرو خواهد بود. البته این عمل زمانی امکان پذیر است که تولیدکننده مجبور به فروش محصولات تولیدی به دولت نباشد. این موضوع را از طریق نموداری نشان داده ایم (نمودار شماره ۱).



چنانچه ملاحظه می شود در این حالت قیمت تضمینی اعلام شده از سوی دولت به مراتب پایینتر از قیمتی است که تحت مکانیسم عرضه و تقاضا در بازار تعیین می گردد. طبیعی است در صورتی که تولیدکننده

ملزم به فروش محصول تولیدشده به دولت و به قیمت تضمین شده (پایینتر از قیمت بازار) باشد، در یافتن اش به میزان قابل توجهی کاهش میابد. در صورتی که اگر ملزم به فروش محصولات به دولت نباشد، دولت نیز زمانی می تواند تولیدات را خریداری نماید که قیمت بازار را پرداخت نماید و تولیدکننده قیمت‌های تضمینی را ملاک فروش کالا به دولت قرار نخواهد داد. بدیهی است تحت چنین شرایطی اگر چنانچه تولیدکننده مجبور به فروش محصولات خود به دولت گردد و کالایش به قیمت تضمین شده توسط دولت خریداری شود، در واقع قیمت‌های تضمینی به نفع دولت تمام شده است. اگرچه ممکن است تولیدکننده نیز متوجه زیان نشود، لیکن درآمدش به مراتب کمتر خواهد شد. بسیاری از کالاهایی که هم اکنون در کشور برای آنها قیمت‌های تضمین شده اعلام می شود در این حالت جای می گیرند. یعنی شرایط بازار به گونه‌ای است که قیمت بازار آنها به مراتب بیشتر از قیمت تضمینی است. "سالیهای اخیر به علل مختلف قیمت محصولات کشاورزی در بازار در فاصله قابل توجهی بالاتر از قیمت‌های تضمینی قرار داشته، لذا عملاً تهدید برای سقوط ناگهانی قیمت محصولات با توجه به کمبود عرضه در مقابل تقاضا وجود نداشته است. نتیجه آنکه از بکارگیری این نوع ارزش مبادله و مکانیزم بازار، عملکرد مثبتی به عنوان وسیله رسیدن به اهداف مشاهده نگردیده که علت آن نیز فاصله بین قیمت‌های تضمینی و ارزش مبادله واقعی محصولات کشاورزی ایران بوده است. به عبارت دیگر قیمت‌های تضمینی محصولات، در معیار سنجش ارزش مبادله واقعیشان، ناخالص بوده اند (۱)

(۱): ناصرخانم، سیاست اقتصاد کشاورزی در نظام‌های مختلف و ایران

(تهران: انتشارات پیشبرد، ۱۳۶۵) ص ۱۴۸-۱۴۹.

در صورتی که تولیدکنندگان بتوانند محصولات را با قیمت تعیین شده در بازار بفروش برسانند برای سال آینده، این قیمت نقش بیشتری در تصمیم‌گیری آنها خواهد داشت و به قیمت‌های تضمینی توجه چندانی نخواهند کرد.

اما در ایران تولیدکنندگان یا بنا به دلایل قانونی و یا بنا به وجود شرایط انحصاری خرید توسط دولت ملزم به فروش تولیدات خود به دولت می‌باشند و از این رو ملی رغمت آنکه ممکن است قیمت‌های تعیین شده در بازار و یا قیمت‌های واقعی بیشتر از قیمت‌های تضمینی باشد، دولت در خرید محصولات قیمت‌های تضمینی را مورد توجه قرار خواهد داد. قیمت‌های تضمینی تعیین شده برای کالاهای نظیر: گندم، چغندر قند، پنبه، سویا، آفتابگردان و... که در حکم قیمت‌های تثبیتی عمل می‌نمایند بسیار مورد توجه تولیدکنندگان است. در صورتی که قیمت مزبور هزینه‌های تولید و سود قابل توجهی نداشته باشد و از قیمت بازار کمتر باشد تولیدکنندگان از تولید آن محصولات سر باز خواهند زد. کما اینکه در سال‌های مختلف شاهد کاهش فروش محصولات مزبور به دولت بوده‌ایم. این موضوع هم به دلیل پایین بودن قیمت‌های تضمینی نسبت به قیمت‌های عمده‌فروشی بازار و هم به دلیل پایین بودن قیمت‌های تضمینی از قیمت تمام شده واقعی بوده است. بعنوان نمونه، قیمت گندم تضمینی در سال ۱۳۶۵ معادل ۴۸ ریال پیشنهاد شده بود، که هم از قیمت عمده‌فروشی و هم از میانگین قیمت تمام شده واقعی یعنی ۵۵/۶۸ ریال کمتر بوده است. در همین سال قیمت تضمینی جو معادل ۴۲ ریال اعلام شده بود در حالی که هزینه تمام شده آن رقمی معادل ۴۹/۶۵ ریال بوده است و تقریباً "سه‌همین ترتیب" برای

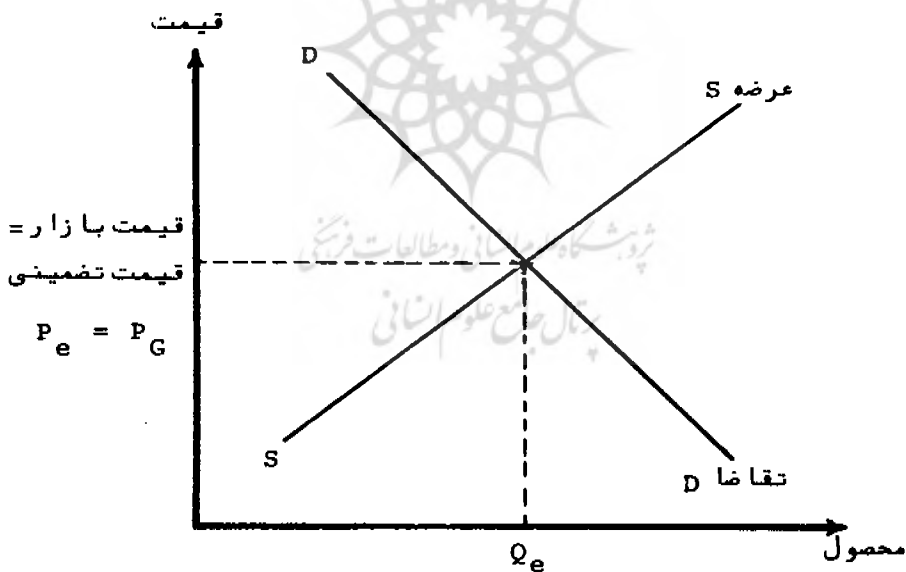
بنا بر این در حالت نخست (زمانی که قیمت‌های تضمینی پایینتر از قیمت‌های بازار قرار می‌گیرند) سیاست تعیین قیمت‌های تضمینی به منظور افزایش تولید از جهت بلا اثر است : اول ، از جهت آنکه قیمت‌های عمده فروشی با بازار قیمت‌های تضمینی بالاتر بوده است . به عبارت دیگر اگر افزایش تولیدی وجود داشته به دلیل بالا بودن قیمت‌های بازار و نه اعمال سیاست تعیین قیمت‌های تضمینی بوده است و دیگر از جهت آنکه محدودیت‌های فروش محصول به دولت در سطح قیمت تضمین شده - که همواره کمتر از قیمت بازار و قیمت تمام شده واقعی بوده است - اثر داشته است که این خود نه تنها موجبات افزایش تولید چنین محصولاتی را فراهم نمی‌آورد بلکه در مواردی منجر به کاهش تولید می‌گردد .

حالت دوم : به هنگام عرضه محصول به بازار توسط تولیدکنندگان ممکن است شرایط بازار به گونه‌ای باشد که قیمت تضمینی تعیین شده از سوی دولت دقیقاً "معادل قیمت‌های تعیین شده در بازار بوده و یا دارای اختلاف ناچیزی با آن باشد . در این حالت چه خریدار دولت و یا غیر دولت باشد برای تولیدکننده تفاوتی نخواهد داشت . تولیدکننده همان درآمدی را بدست خواهد آورد که با قیمت‌های بازار محصولش را بفروشد . در اینجا چنانچه مقصود دولت خریداری مقدار بیشتری از این محصولات باشد در همان حین می‌تواند با توسل به روش‌هایی از جمله : اعمال جایزه و یا افزایش ناچیزی در قیمت تضمین شده چنین عملی را انجام دهد . در عین حال که در چنین حالتی وجود ضوابط قانونی فروش اجباری محصول به دولت نیز

(۱) : ر. ک. علی اکبر عبدالحسین زاده ، بررسی وضعیت اقتصاد کشاورزی

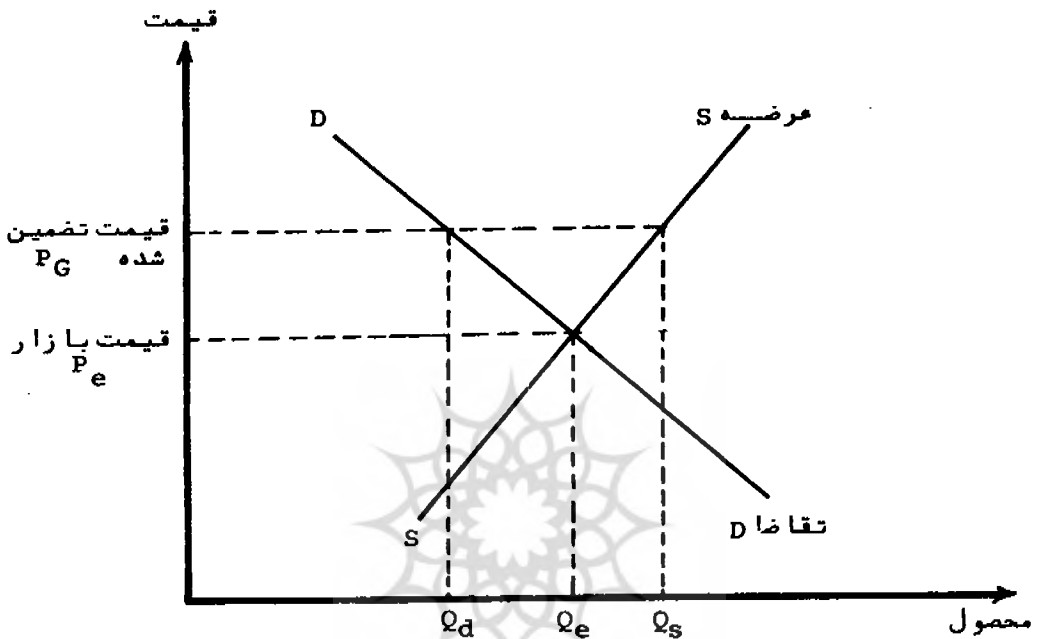
ایران ، (تهران : انتشارات کتابخانه ، ۱۳۶۵) ، ص ۴۸-۶۰ .

برای تولیدکننده موجب دلسردی نمی گردد. این حالت در عمل کمتر اتفاق می افتد. در صورتی که مکرراً "صورت‌پذیردمی توان گفت تضمین قیمت از جهاتی بلااثر است. علی‌رغم آنکه باید اظہار داشت: تولیدکننده بدلیل آنکه در نقطه حساسی قرار می گیرد احتمال آنکه در آینده قیمت‌های بازاری پایینتر از قیمت‌های تضمین شده باشد را مدنظر قرار می‌دهد و لذا برای سال آینده قیمت‌های تضمینی می‌توانند در فرایند تصمیم‌گیری او موثر باشند. در این حالت اگر قیمت‌های تضمینی سال آینده افزایش داده نشوند تولیدکننده به سراغ تولید کالاهای خواہند رفت که قیمت‌های بالاتری دارند. چنین حالتی کمتر اتفاق می‌افتد و نمونه‌های آن در ایران مشاهده نشده است.





حالت سوم : ممکن است موقعیت با زار به هنگام عرضه محصول تولید شده به گونه‌ای باشد که قیمت‌های تعیین شده در بازار به میزان قابل ملاحظه‌ای کمتر از قیمت‌های تضمین شده توسط دولت باشند. در نمودار (شماره ۳) این حالت نشان داده شده است :



در این شرایط کلیه تولیدکنندگان اعم از آنکه ملزم به فروش به دولت باشند و یا نباشند تمایل خواهند داشت که به منظور جلوگیری از زیان، محصولات خود را به دولت بفروشند و اساساً "فلسفه اجرای سیاست تضمین قیمت‌ها به هنگام چنین مواردی است، یعنی مواقعی که احتمال ما زار در عرضه در مقابل تقاضا وجود دارد. در این حالت در صورتی که دولت به تعهد خود عمل نماید تولیدکنندگان از زیان‌های قابل توجهی نجات خواهند یافت (توجه داشته باشید که قیمت تضمینی قیمت تمام شده به اضافه درصدی سود است). در این مورد می‌توان اظهار داشت ما زار در عرضه‌ای که منجر به کاهش قیمت‌های بازار گردیده است حتماً "به دلیل افزایش تولیدات

بوده است و قیمت‌های تضمینی به همین منظور از قبل اعمال گردیده‌اند. یعنی اینکه قیمت‌های تضمینی به اندازه‌ای زیاد بوده است (مثلاً بالاتر از قیمت بازار دوره قبل) که توجه تولیدکننده را جلب نموده و موجبات افزایش تولید را فراهم نموده است و دیگر آنکه قیمت‌های بازار دوره قبل با لایوده لیکن قیمت‌های تضمینی اعلام شده نیز مورد توجه تولیدکننده بوده است؛ علی‌رغم آنکه چنین اتفاقی در مورد محصولات کشاورزی فراوان اتفاق می‌افتد لیکن شرایط بازار در ایران به گونه‌ای است که کمتر شاهد چنین حالتی هستیم اگرچه در مورد محصولات ما نندپیا زوسیب زمینی بخصوص در سال‌های اخیر شاهد بروز چنین مساله‌ای بوده‌ایم. ضمن اینکه متأسفانه دولت بنا به دلیل کمبود امکانات، توانایی کافی انجام تعهد خود را درقبال قیمت تضمینی اعلام شده نداشت.

در این حالت زیان تولیدکنندگان به دولت انتقال می‌یابد، چراکه دولت پس از خرید محصولات کشاورزان به قیمت‌های تضمین شده ناچار است بخش عمده‌ای از آن را به قیمت‌های بازار که کمتر از قیمت خریداری شده است در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد. در عین حال باید اشاره کرد در این حالت - زمانی که تولیدکنندگان بطور اجباری باید محصولات را در اختیار دولت قرار دهند - شاید مشاهده قیمت‌های بازار بطور عینی امکان پذیر نباشد. لیکن می‌توان به وجود مازاد عرضه نسبت به تقاضای محصولات مورد نظری برد. شرایطی که اگر فروش اجباری به دولت اعلام نشده بود قیمت بازار محصولات در حد پائینتری نسبت به قیمت‌های تضمینی اعلام شده قرار می‌گرفتند.

غرض از بررسی هر یک از سه حالت فوق‌الذکر در واقع تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌گذاری آینده و چگونگی تعیین قیمت‌های تضمینی است. بدین ترتیب که سیاست‌گذار اگر در مورد هر یک از محصولات در چنین

حالاتی قرار گرفت برای سال آینده با یستی سیاست قیمت را چگونه اعمال نماید که اهداف اقتصادی مورد نظر خود را بدست آورد. در اینجا فرض عمده را بر این می گذاریم که هدف سیاست گزار در درجه اول افزایش تولید محصولات مورد نظر و حمایت از تولیدکنندگان آن می باشد.

افزایش تولید در بلندمدت در واقع همان افزایش عرضه است، عرضه محصول در چنین حالتی صرف نظر از سایر متغیرها تابعی از قیمت های دوره قبل و قیمت های تضمینی خواهد بود به عبارت دیگر خواهیم داشت:

$$Q_{t+1}^S = F(P_t, P_G)$$

$$Q_{t+1}^S = \text{عرضه محصول در آینده}$$

$$P_t = \text{قیمت بازار محصول در دوره فعلی}$$

$$P_G = \text{قیمت تضمین شده}$$

همچنین می دانیم که قیمت بازار و قیمت تضمین شده با عرضه محصول در آینده رابطه ای مستقیم دارند، یعنی:

$$\frac{\partial Q_{t+1}^S}{\partial P_t} > 0 \quad \frac{\partial Q_{t+1}^S}{\partial P_G} > 0$$

قیمت دوره قبل همواره برای تولیدکننده مشخص است. اگر به

نظری قیمت بالا باشد محصول دوره بعد افزایش و اگر پایین بود کاهش خواهد یافت. لیکن قیمت تضمینی، متغیری است که در اختیار سیاست گزار است. در صورتی که آن را در سطح پائینی قرار دهد عرضه کاهش و اگر در سطح بالایی اعلام کند عرضه محصولات افزایش خواهد یافت. البته باید اضافه کرد که قیمت های بازار بعنوان یک متغیر درون-سازا از متغیر برونزای قیمت های تضمینی تحت شرایطی متابعت می کنند.

حال چنانچه وضعیت محصولی در دوره جاری به حالت اول درآمده باشد (قیمت بازار آن بزرگتر از قیمت تضمینی آن باشد) برای دوره آینده و افزایش عرضه در صورتی که تولیدکننده بتواند محصول را مطابق قیمت

با زار بفروش برساند، نیازی به افزایش قیمت تضمینی برای دوره آهسته به منظور افزایش تولید نمی باشد اگرچه نباید آن را بطور کلی حذف نمود (به عبارت دیگر می توان آن را ثابت نگهداشت). لیکن در صورتی که تولیدکننده نتواند علی رغم قیمت بالای بازار محصولش را به قیمت با زار بفروش رساند (به عبارت دیگر ملزم به فروش آن به قیمت های تضمینی به دولت باشد) به منظور افزایش تولید و عرضه در دوره بعد لازم است قیمت های تضمینی - صرف نظرا ز قیمت تمام شده - تا حد قابل ملاحظه ای افزایش یابند، مطلوبترین وضعیت آن است که قیمت های تضمینی تا سطح معقولی از قیمت با زار افزایش داده شوند تا تولیدکنندگان به سمت تولید آن محصول گرایش نشان دهند. در غیر این صورت (برای دوره بعد قیمت های تضمینی افزایش داده نشوند) تولید این محصول به اندازه زیادی کاهش خواهد یافت، و به دنبال آن قیمت واقعی محصول (با توجه به شکاف بین عرضه و تقاضا) بسیار بالا خواهد بود، بدیهی است زیان حاصل از کاهش تولید برای دولت و مصرف کنندگان بسیار مهمتر و بیشتر از افزایش قیمت های تضمینی خواهد بود.

در مورد تولیدکنندگان واقعیت خوبی آشکار است. در سال ۱۳۶۱ سطح زیرکشت این محصول ۶۱۹۲ هزار هکتار بوده است. که معادل ۶۶۶ هزار تن تولید صورت گرفته است. در این سال قیمت تضمینی گندم ۳۰ ریال و قیمت عمده فروشی آن ۲۷/۶ ریال بوده است. ملاحظه می شود که قیمت با زار گندم از قیمت تضمین شده بالاتر بوده و طبق مقررات تولیدکنندگان ملزم به فروش گندم تولیدی به دولت بوده اند. تحت این شرایط برای افزایش تولید در سال ۱۳۶۲ بر طبق آنچه بیان شد می بایستی قیمت تضمین شده گندم مقداری افزایش یابد (حداکثر تا سطح قیمت با زار سال ۶۱). در صورتی که این اقدام صورت نگیرد و قیمت تضمین شده گندم

برای سال ۱۳۶۲ در همان ۳۰ ریال ثابت ماند. نتیجه آن شد که سطح زیرکشت به ۶۰۴۲ هزار هکتار و تولید به ۵۹۶۰ هزار تن کاهش یافت و بدنبال آن قیمت بازاری به ۴۵/۹ ریال افزایش یافت و بدین ترتیب فاصله بین قیمت تضمینی و قیمت بازاری افزایش یافت و علی رغم افزایش قیمت تضمینی برای سال ۱۳۶۳ هنوز به دلیل فاصله زیاد موجود بین دو قیمت، سطح زیرکشت و محصول تولید شده کاهش یافتند. همانند چنین تحلیلی را در مورد سایر محصولات - بویژه چغندر قند - می توانیم داشته باشیم<sup>(۱)</sup>.

حال چنانچه وضعیت محصولی در دوره جاری همانند حالت دوم باشد (قیمت تضمین شده آن معادل قیمت بازاری قرار گیرد) سیاست گذار با پستی به نقش حساس قیمت تضمینی که برای دوره بعد اعلام می شود، توجه نماید. چرا که تولیدکننده بخواهی می داند در صورتی که در دوره بعد تولید را افزایش دهد قیمت محصول کاهش می یابد. و در آمدش در آن سال اگر کاهش نیابد، حداقل ثابت می ماند (شرایط تقاضا و تکنولوژی ثابت فرض شده است). در این حالت تولیدکننده در شرایط دشواری به منظور تصمیم گیری قرار می گیرد. در عین حال سیاست گذار نیز می داند که اگر تولیدکننده تولید را کاهش دهد قیمت بازاری محصول افزایش می یابد. و اگر تولیدکننده ملزم به فروش کالای خود باشد دولت با این که چنین موضوعی را بداند - تولید را افزایش نخواهد داد. پس در هر دو صورت انگیزه ای برای افزایش تولید دوره بعد وجود نخواهد داشت مگر اینکه دولت به میزان اندکی قیمت های تضمینی برای دوره بعد افزایش دهد. در عین حال با ملاحظاتی می توان قیمت تضمین شده را ثابت نگه دارد.

(۱): سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان. قیمت تضمینی محصولات کشاورزی و دامی سال ۱۳۶۶ (تهران: سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، ۱۳۶۵) ص ۲.

چنانچه موقعیت محصولی در دوره جاری همانند حالت سوم باشد (قیمتهای تضمین شده برای آن دوره بالاتر از قیمت بازاری باشد) در صورتی که قیمت تضمینی فقط هزینه‌های تولید و سود مختصری را داشته باشد تولیدکنندگان در دوره بعد - علی‌رغم آنکه ممکن است در دوره جاری زیانی ننمایند - اقدام به کاهش تولید خواهند نمود که این امر موجب افزایش قیمت در دوره مذکور خواهد گردید. حال اگر هدف سیاستگزاران افزایش تولید و یا ثابت ماندن آن باشد لازم است قیمت‌های تضمینی سال آینده را اندکی افزایش دهد. این اقدام از طرفی منجر به جلوگیری از کاهش بی‌رویه تولید سال بعد گردیده و از طرف دیگر موجب می‌شود که بدلیل آنکه در صورت عدم افزایش قیمت‌های تضمینی توسط سیاستگزار قیمت‌های بازاری بواسطه کاهش تولید در سطحی بالاتر از قیمت تضمین شده قرار می‌گرفت، دولت نیز در مقایسه با قیمت‌های بازاری دچار مالی کمتری گردد.

در صورتی که قیمت‌های تضمینی برای سال بعد افزایش داده نشوند تنها انگیزه افزایش تولید نیز از بین خواهد رفت و لذا در دوره بعد سطح تولید بشدت کاهش یافته و قیمت بازاری افزایش می‌یابد بطوری که فاصله موجود بین قیمت تضمینی و قیمت بازاری به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت و این در حالی است که معمولاً به‌نگام کاهش قیمت یک کالا دولت برای سال بعد توجه چندانی به قیمت‌های تضمینی از خود نشان نمی‌دهد و اگر آن را کاهش ندهد افزایش هم نمی‌دهد. در مورد پیساز و سیب زمینی شاهد چنین مسأله‌ای بوده‌ایم. یعنی دقیقاً "عکس آنچه که باید عمل گردد، عمل می‌کنند.

از آنچه که در این مقاله مورد بحث قرار گرفت می توان نتیجه گرفت :

۱- سیاست تضمین قیمت‌های محصولات کشاورزی ابزاری مهم در جهت افزایش تولید و تعدیل درآمدها و حمایت از تولیدکنندگان و حتی مصرف‌کنندگان (در بلندمدت) می باشد. و به همین جهت بسیار حساس است .

۲- در ایران به دلیل اعمال این سیاست در مورد محصولات عمده زراعی کشور بایده نقش تعیین کننده و سرنوشت ساز آن در بخش کشاورزی توجه نمائیم .

۳- در تعیین قیمت‌های تضمینی ، قیمت تمام شده و نحوه محاسبه آن بسیار مهم است کوچکترین اشتباه در چنین محاسبه‌ای می تواند به حصول نتایج نامطلوب بیانجامد .

۴- اعلام قیمت‌های تضمینی در ایران همگام با فروش محصولات به دولت در بسیاری از موارد نتایج واقعی را که از اعمال و کاربرد این سیاست مورد نظر است کاهش داده و در عین حال محاسبات را دچار اشکال می نماید . بطوری که نیا زمندقت بیشتر در قبال نتایج کمتر است .

۵- سیاست قیمت‌های تضمینی در ایران به دلیل انتخاب هدف‌های چندگانه از موفقیت چندان بی برخوردار نبوده است . بطوری که آثار حمایت از مصرف‌کننده در تعیین قیمت‌های تضمینی که هدف آن حمایت از تولید کننده است بخوبی مشهود است .

۶- سیاست گذاران در زمینه تعیین قیمت‌های تضمینی همانند

تولیدکنندگان دچار توهم بوده اند لذا در تعیین قیمت‌ها تحت تاثیر اتفاقات دوره جاری قیمت‌های تضمینی آینده را اعلام می‌کنند.

۷- در مورد کلیه کالاهایی که برای آنها قیمت‌های تضمینی تعیین می‌شود اجرای این سیاست بایستی در هماهنگی کامل با تک محصولات باشد در ایران چنین نبوده است.

۸- البته همزمان با خرید ما زائد تولیدکننده و عدم افزایش قیمت تضمینی آن دولت سعی کرده است تا آثار آن را از طریق اعطای جوایز برای فروش بیشتر به دولت جبران نماید که تا حدودی موفق بوده و در مواردی در آمدکشا و رزبان افزایش یافته است.

به منظور آنکه اعمال این سیاست در اقتصاد کشا و رزبی ایسران موثر افتد پیشنهاد می‌شود:

۱- سیاست قیمت‌های تضمینی در مورد کلیه محصولات که امکان افزایش تولید بطور بسیار قوه در آنها وجود دارد اعمال گردد.

۲- قیمت‌های تضمین شده به گونه‌ای تعیین شوند که ضمن حمایت کافی از تولیدکننده نوعی برابری نسبی در میزان سود در آمد حاصله برای کلیه کالاهایی که تحت شمول این سیاست و در مواردی، کل بخش کشا و رزبی، هستند را بوجود آورد.

۳- باید توجه داشته باشیم که سیاست صحیح آن است که با حمایت تولیدکننده مصرف‌کننده را حمایت نکنیم، نه با حمایت از مصرف‌کننده تولیدکننده را. وقتی حمایت از تولیدکننده بخوبی صورت گیرد حمایت واقعی از مصرف‌کننده نیز صورت گرفته است (افزایش عرضه نسبت به تقاضا تثبیت و یا کاهش قیمت مصرف‌کننده را در پی خواهد داشت).

۴- آثار اعمال سیاست در مورد کلیه محصولات بدقت مورد توجه و



بررسی قرار گیرد و با توجه به آن برای سال آینده تصمیم‌گیری شود. در این مورد آنچه در مبحث آخر این مقاله ارائه گردید می‌تواند راهنمای مناسبی باشد.

## منابع و مآخذ

- ۱- احمد آدم، ناصر، سیاست اقتصاد کشاورزی در نظام‌های مختلف ایران، تهران: انتشارات پیشبرد، ۱۳۶۵.
- ۲- سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، قیمت تضمین محصولات کشاورزی و دامی سال ۱۳۶۶، تهران: سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، ۱۳۶۵.
- ۳- عبدالحسین زاده، اکبر، بررسی وضعیت اقتصاد کشاورزی ایران، تهران: انتشارات گتابیران، ۱۳۶۵.
- ۴- مشیری، عبدالله، بررسی تجربه قیمت‌گذاری در ایران، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۷.
- ۵- نجفی، بهاء‌الدین، بررسی سیاست قیمت‌گذاری گندم، تهران: مرکز تحقیقات کشاورزی، بی تا.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه، سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و دامی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵.
- ۷- وزارت کشاورزی، گزارش اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۴، تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۶۵.
- ۸- وزارت کشاورزی، تحقیق پیرامون اوضاع اقتصادی کشاورزی کشور در سال ۱۳۶۳، تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۶۴.